

# ایران، رکورد دار خودکشی در جهان!!

آرش کمانگر

**\* طبق آمار رسمی مربوط به سال ۷۷-۷۸، ۵/۵۷ درصد مرگ و میرها در ایران ناشی از خودکشی بوده‌اند**

**\* در استان ایلام به طور متوسط روزانه یک نفر دست به خودکشی می‌زند**

**\* بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از مردم ایران به نوعی از مشکلات روانی رنج می‌برند**

از خیر سر جمهوری اسلامی، کشور ما جزو رکوردداران دنیا در بسیاری از پدیده‌های منفی زندگی محسوب می‌شود. یکی از عرصه‌هایی که ایران گوی سبقت را از همگان ربوده و به تنهایی با اختلاف چشم‌گیری در صدر جدول قرار دارد، ناهنجاری اجتماعی و معضل تکان‌دهنده خودکشی می‌باشد.

بر طبق تازه‌ترین آماري که در روزنامه حیات نو به چاپ رسیده، نرخ رسمی خودکشی در ایران کنونی به طور متوسط بین ۲۵ تا ۳۰ مورد برای هر صد هزار نفر است که به اعتراف خود این روزنامه، بالاترین نرخ در جهان می‌باشد. چرا که نرخ متوسط بین‌المللی ۱۱ تا ۱۲ مورد برای هر صد هزار نفر می‌باشد یعنی در کشور ما ۲/۵ برابر بیشتر از حد متوسط جهانی خودکشی صورت می‌گیرد. بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ تنها ۵۶۸ نفر دست به خودکشی زدند این رقم در سال‌های اخیر به حدود ۲۰ هزار مورد در سال افزایش پیدا کرده است که ۶۰ درصد آن زن و بقیه مرد بوده‌اند. طبق آمار رسمی مربوط به سال ۷۷-۷۸، ۵۷/۵ درصد مرگ و میرها در ایران ناشی از خودکشی بوده‌اند. بنابه گزارش بیمارستان سوانح ناشی از مسمومیت در تهران روزانه ۵۰ مورد خودکشی ناشی از مسمومیت در تهران وجود دارد که ۸۰ درصد این مسمومین عمدی بین ۱۵ تا ۴۰ سال سن دارند.

در استان ایلام به طور متوسط روزانه یک نفر دست به خودکشی می‌زند. اما استان کرمانشاه به لحاظ درصد خودکشی زنان در رتبه اول قرار دارد. اصولاً زنان بیشتر از مردان دست به خودکشی می‌زنند اما مردان بیشتر از زنان در اقدام خود موفق می‌شوند. افراد مجرد دو برابر افراد متأهل و افراد بیوه و مطلقه ۴ تا ۵ برابر متأهلین دست به خودکشی می‌زنند. دکتر پروانه قدسی که در زمینه مسایل مربوط به این ناهنجاری تحقیق نموده می‌گوید که در کشورهای غربی مردان سه برابر زنان اقدام به خودکشی می‌کنند که این میزان در کشور ما برعکس است. او البته به دلیل سانسور و خفقان حاکم علت این تفاوت را توضیح نمی‌دهد، ولی مردم آگاه می‌دانند که مرد سالاری، پدر سالاری و آپارتاید جنسی حاکم بر کشورمان که به طور سیستماتیک توسط جمهوری اسلامی حفظ می‌شوند، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد گسترده روحیه یاس و ناامیدی در میان زنان و دختران بازی می‌کنند.

دکتر امیل دورکمپم جامعه‌شناس فرانسوی عامل اصلی خودکشی را «کاهش همبستگی اجتماعی» می‌داند اما دکتر قرایی مقدم، «پریشان‌فکری» را عامل عمده ارزیابی می‌کند. نامبرده رشد تصاعدی آمار خودکشی را در ایران با رشد سریع بیماری‌های روحی و روانی مرتبط می‌داند.

در همین رابطه دکتر بوالمهری رییس انستیتو روانپزشکی تهران طی گفتگویی اعلام نمود که بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از مردم ایران به نوعی از مشکلات روانی رنج می‌برند که از میان آنها بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر دچار بیماری شدید روانی هستند. فقط در پایتخت کشور ما ۲۳ درصد جمعیت دچار بیماری‌های روانی هستند. حال آنکه در همین وانفسا رژیم اسلامی، درمانگاه شهید اسماعیلی را در تهران بسته که ویژه مداوای بیماران روانی بود. مطبوعات رژیم عدم سوددهی این مرکز درمانی را علت تعطیلی آن گزارش نمودند!!

متأسفانه اکثر کارشناسان امور مربوط به خودکشی، نمی‌خواهند (و یا شاید به دلیل استبداد مذهبی حاکم) نمی‌توانند عمق فاجعه و عوامل ریشه‌ای آن را دریابند. به عقیده ما سیر صعودی هولناک آمار خودکشی و نیز

بیماری‌های روانی در ایران به نحو مستقیمی با سیستم اقتصادی-اجتماعی موجود و رژیم سیاسی حاکم ارتباط دارد. دو دهه سرکوب و خفقان سیاسی و مذهبی، عوارض ناشی از نسل‌کشی جوانان در زندان‌ها و نیز جنگ هشت ساله با عراق، بیکاری، فقر و نابرابری‌های طبقاتی عمیق در جامعه، بی‌آیندگی مطلق جوانان، منکوب شدن ابتدایی‌ترین مظاهر یک زندگی عرفی و مدرن، نابرابری جنسی، مردسالاری و پدرسالاری، آن عوامل ریشه‌ای هستند که در پی خود مشکلات خانوادگی، ناامیدی، سرخوردگی، افسردگی و ناراحتی‌های روانی و بالاخره پوچ شدن معنای ادامه زندگی را سبب می‌شوند.

بنابراین رکوردار شدن ایران در عرصه خودکشی قبل از هرچیز ناشی از تداوم حکومت اسلامی و نابرابری‌های اجتماعی مورد حراست این رژیم است. به همین خاطر نمی‌توان در کشور ما خودکشی را کاهش داد، مگر اینکه به عمر رژیم موجود پایان داده شود.

۱۷ سپتامبر ۲۰۰۱